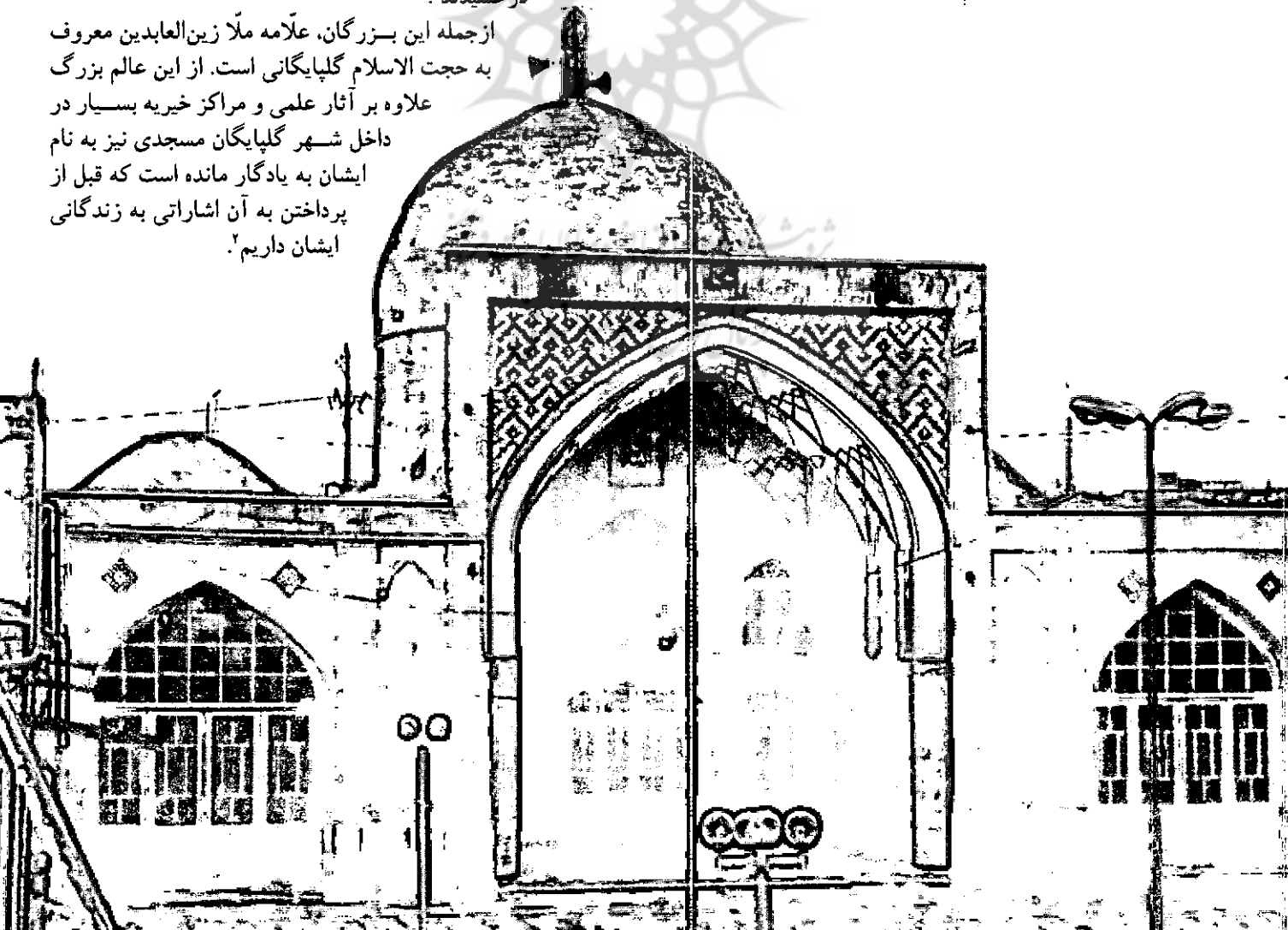


مسجد حجت الاسلام گلپایگان وسیر تاریخی موقوفات آن

محبوبه خسروی، رضوان خسروی

شهر گلپایگان مرکز شهرستانی به همین نام در استان اصفهان است. این شهر از جمله شهرهای کهن ایران به شمار می‌رود. وجود آثار تاریخی بسیار از دوران‌های مختلف تاریخی در آن بیانگر قدمت دیرینه آن است. وجود آثار و ابنیه تاریخی همچون گنبد موسوم به بابامصری بر فراز مسجد میرزا ابوالحسن مربوط به عهد سلجوقی، مسجد جامع و مناره شهر مربوط به همین زمان و مسجد جامع سرآور گلپایگان مربوط به قرن نهم و بقعه امامزادگان هفده تن از زمان صفویه از این جمله‌اند. شهر گلپایگان از نظر اعتقادات دینی و پایبندی به مذهب نشانه‌های ارزشمندی دارد. تعداد زیاد مساجد موجود در آن از آن جمله است به طوری که در این شهرستان با ۸۲۶۰۱ هزار نفر جمعیت ۲۱۶ مسجد، ۳۳ امامزاده و بقعه دینی وجود دارد. این شهر مذهبی و حومه آن زادگاه علما و فقهای بزرگ و نامداری بوده که چهره‌های برجسته‌ای از ایشان در حوزه‌های علمیه درخشیدند!

از جمله این بزرگان، علامه ملا زین‌العابدین معروف به حجت الاسلام گلپایگانی است. از این عالم بزرگ علاوه بر آثار علمی و مراکز خیریه بسیار در داخل شهر گلپایگان مسجدی نیز به نام ایشان به یادگار مانده است که قبل از پرداختن به آن اشاراتی به زندگانی ایشان داریم.^۱



حجت الاسلام گلپایگانی

آخوند ملازین العابدین معروف به حجت الاسلام، از فقها و اهل باطن و به گفته اعتماد السلطنه: «مجتهدی فحل و مرجع جمیع اهل فضل بود. و ذر جنب فقاہت و علو درجه اجتهاد وی، افاضل دوران و مجتهدین دیار ایران خود را خرد می‌شمردند. و بعضی از علما، او را در دوازده فن صاحب رأی و مقام اجتهاد می‌دانستند و گروهی در حق آن بزرگوار به مکاشفه و خوارق عادت معتقد بودند»^۴.

وی در سال ۱۲۱۸ هـ ق در گلپایگان متولد شد. پس از تحصیلات مقدماتی مدتی به حوزه اصفهان رفت و از محضر شیخ محمدتقی ایوانکی، صاحب هدایه بهره برد. بعد از رحلت ایشان به عتبات رفت و در کربلا و نجف به درس شریف العلما، صاحب فصول، صاحب جواهر، شیخ حسن بن شیخ جعفر کبیر و علی بن شیخ جعفر کبیر حاضر گشت و از محضر ایشان بهره برد و به گلپایگان بازگشت و به تألیف و انزوا عمر خویش را به سرآورد. صاحب لباب الاقاب که از اصحاب او بود، آورده است که: چون شیخ مرتضی انصاری درگذشت، اکابر تلامیذ او همچون: میرزای شیرازی و سیدحسین ترک به او نامه فرستادند و خواستار آن شدند که از گلپایگان به نجف رود تا از افادات او استفاده کنند. لکن، او اعتذار کرد که پیری است کبیر و حال وی مساعدت بر قبیل و قال نمی‌دارد. صاحب تکمله امل الآمل نیز که با واسطه از او روایت می‌کند، روایت کرده است که شنیدم که حاج میرزا حسین حاج میرزا خلیل تهرانی جهت زیارت آخوند ملازین العابدین به گلپایگان رفت و از وی اجازت روایت خواست و او نیز به وی اجازه‌ای عام داد. برخی از آثار ایشان عبارتند از: انوارالقدسیه در فضایل احمدیه، رساله در شرح اسماء قدسیه، روح الایمان، شرح دره بحر العلوم، کتاب نکاح و کتاب الورد در غیبت. مرحوم ملازین العابدین در سال ۱۲۸۹ در گلپایگان درگذشت و در مقبره مجاور مسجد به خاک سپرده شد.

مسجد حجت الاسلام

این مسجد مجاور خیابان امام حسین (ع) در شهر گلپایگان واقع است و توسط حجت الاسلام گلپایگانی بنا نهاده شده است. این مسجد دارای بخش‌های راهرو و ورودی به طول ۴۰ متر، شبستان در ابعاد ۱۷×۴۱ متر، صحن به ابعاد ۲۲×۲۴ متر، ساختمان اصلی مسجد با ابعاد ۲۰×۲۵ متر، فضای سبز، کتابخانه و مقبره مرحوم حجت الاسلام گلپایگانی، در صحن مسجد حوض آبی با ابعاد ۱۲×۸ متر قرار دارد. این مسجد فاقد گلدسته است و ارتفاع گنبد دویوش آن ۱۶ متر است. این مسجد در زمان حجت الاسلام، از مساجد بسیار مهم و پررونق گلپایگان بوده علاوه بر اقامه جماعت، مدرسه علمیه دایر در آن نیز به تعلیم و تربیت و تدریس علوم دینی اختصاص داشت. حجت الاسلام پس از مراجعت از نجف اشرف تا پایان عمر در این مدرسه به تدریس و تربیت نفوس مستعد پرداخت و بسیاری از علمای گلپایگان، خوانسار و کمره (شهرستان فعلی خمین) از محضرش بهره برده‌اند.^۵

ذکر یک خاطره

در باره بنای مسجد حجت الاسلام گلپایگان آنچه سینه به سینه نقل شده است آنکه: همه روزه نزدیک غروب آفتاب که کارگران مسجد دست از کار می‌کشیدند برای حجت الاسلام تخته پوستی در صحن مسجد پهن می‌کردند. ایشان روی آن می‌نشست، دست زیر پوست می‌برد و مزد افراد را بدون آنکه با آنان حرفی بزند یا پولی را که می‌پرداخت شمارش کند شخصا پرداخت می‌کرد. گاهی مزد یک کارگر ساده بیش از برخی از استادان و معماران می‌شد. چون هر کس به میزان کارکرد خویش مزد می‌گرفت کم‌کاری و غفلت افراد از روی دستمزدی که نشمرده می‌گرفتند، مشخص می‌شد. نقل است که هنگام ساختن مسجد، شخصی نذر کرد که یک هفته برای رضای خدا در ساخت بنای مسجد رایگان کار کند و چون وی دستمزد نمی‌خواست، عصر هنگام خدمت حجت الاسلام نمی‌رفت. روز آخر که می‌خواست برود، از طرف حجت الاسلام احضار می‌شود. وقتی خدمت ایشان می‌رسد، معظم‌له ضمن خسته نباشید گفتن به او گفت: نذرت قبول باشد ولی هدیه‌ای هم باید بگیری. پس وی دست زیر پوستینی که روی آن نشسته بود می‌برد و مبلغی را به ایشان می‌دهد. وی نیز با اصرار می‌پذیرد. هنگام شمارش معلوم می‌شود که این مبلغ بیش از دستمزد یک کارگر ساده بوده است.^۶

موقوفات مسجد حجت الاسلام

در مسیر جاده گلپایگان به خمین، پس از عبور از پل موسوم به قاضی زاهدی (فازید) بر روی رودخانه گلپایگان، در دامنه کوه الوند، دشت وسیعی به طول حدود هفت کیلومتر با عرض متفاوت از ساحل شمالی رودخانه تا کوه مزبور زمین‌های موسوم به لهرامش (لورمش) است. لهرامش از جمله موقوفات مسجد مرحوم حجت‌الاسلام می‌باشد. مساحت موقوفه فوق حدود ۶۰۰ هکتار بوده که متأسفانه مقدار قابل توجهی از آن از بین رفته است. در بخشی از زمین‌های وقفی فوق میدان و ساختمان ورزشی، بیمارستان امام حسین (ع) و هتل جهانگردی گلپایگان بنا گردیده و با احداث پمپ بنزین و خانه‌های سازمانی از سال ۱۳۵۲ در حاشیه جاده تدریجاً منطقه لهرامش مسکونی شده و از حالت وقف خارج شده است. منطقه لهرامش تا قبل از حمله افغانه به گلپایگان (پایان حکومت صفویه) آباد بوده و از آب قنات مشروب می‌شد. و آثار چاههای قنات آن در قبرستان موسوم به قاضی زاهدی موجود است. کمبود آب لهرامش از مازاد آب رودخانه گلپایگان تأمین می‌شد که آثار جوی لهرامش تا سال‌های اخیر وجود داشت از آثار قدیم لهرامش قسمتی معروف به باغ والی بوده که حصار آن تا سال‌های قبل از پیروزی انقلاب اسلامی باقی بوده است. مهاجمین افغان چاههای قنات فوق را مسدود و جوی لهرامش را خراب و از حیز انتفاع خارج نمودند. در خصوص مزرعه لهرامش فرمانی از الوند میرزا آق‌قویونلو به مهر آن پادشاه به تاریخ رمضان سال ۹۰۴ هـ ق (۱۴۹۹ میلادی) مبنی بر واگذاری آن به خواجه جلال‌الدوله موجود است که در آن وی را به درجه سرتیپی مفتخر و مزرعه لهرامش (لهرامش) به وی واگذار و از پرداخت هر گونه عوارض و مالیات معاف داشته است. این فرمان به خط تعلیق در بیست سطر و به آب زر و لاجورد نوشته شده است. اندازه فرمان ۱۸۷×۳۴ سانتیمتر است. اصل این فرمان در موزه بانک سپه نگهداری می‌شود.

متن فرمان الوند میرزا در ۹۰۴ هـ ق

ابوالمظفر الوند بهادر سوزومیز^۱ شکرانه نعمت عظمی سلطنت و جهانداری و سپاس حکومت کبری خلافت و کامکاری مواد موافد کثیر الفوایدش به آیه مراحم و ملاطفات «وهو الذی جعلکم خلایف الارض و رفع بعضکم فوق بعض درجات»^۲ مزین و معلی گشته بتأکید امر جلیل القدر «ان الله یامر بالعدل والاحسان»^۳ و تشیید ارکان «هل جزاء الاحسان الا الاحسان»^۴ میسر و مقدر گردد و نهال اقبال و گلین آمال

را باجزاء ماء معین فضل و افضال سیراب داشته موجب نصارت بساتین حشمت و جلال و مستدعی طراوت حدایق مکتب و اجلال است. هر آینه در ایام فرخنده انجام سلطنت روزافزون و در زمان خجسته او ان خلافت همایون بر حسب اشارت بابشارت «واخفص جناحک لمن ائبک من المؤمنین»^۵ جمعی که در ترتیب مصالح و مهام خدام عالی‌مقام و تقدیم مراسم نظم مناظم انام سعی جمیل مبذول و مصروف می‌دارند و فواید جلیله و اخلاق جمیله ایشان موجب رفاهیت خواص و عوام و باعث اسعاف مطالب و جمیع مهام است و به مقتضی عبادا خلقهم لمصالح الخلق حق اهتمام از مآثر اعمال و شعائر خصال ایشان بر صحایف روزگار اشتهار پذیرد به لواحق عنایات ممتاز و به لوازم مکرمات ایشان را سرافراز می‌داریم و از این فرقه جلیل القدر بعضی که با وجود خصایل حمیده و ژییم پسندیده به عبودیات لایقه و خدمات فایقه امتیاز داشته باشند به مزید عنایت و فور مرحمت عز اختصاص می‌بخشیم و چون در انصاف به مکارم این اوصاف و در تحلی به نعوت اسلاف آثار رشد و رشاد و انوار ذکاء و سداد از لواحق احوال و صفایح اعمال عالی جناب وزارت مآب، سعادت‌ایاب، معالی قیاب، رفعت‌ونار، دولت‌آثار، معاون‌شعار، عمده‌الاکابر فی العالم، دستورالوزراء فی العجم، مستجمع





مکارم الاخلاق، کریم الذات و الاوصاف فی الافاق، المختص بعواطف الله الملك الاله خواجه جلال الدوله والذین خضرشاه^{۱۵} اعلى الله تعالى شأن وزارته و معالید ظاهر و باهر است. عواطف و عوارف بی دریغ شامل حال او فرموده موضع نهرامس از اعمال جریادقان^{۱۶} که به موجب فرمان همایون ما که قبل ازین شرف نفاذ یافته به سیورغال^{۱۷} هود بری^{۱۸} آن عالیجناب مقررست مجدداً به همان دستور در وجه سیورغال هود بری و انعام سرمدی او شفقت فرمودیم و در بسته و دانسته ارزانی داشتیم و به رقبه معاف و مسلم جزو ترخان^{۱۹} و مرفوع القلم و ممنوع القدم گردانیدیم حکام و عمال و کلاتران و کدخدایان ولایت مذکوره باید که به علت مال و جهات را خراجات و خارجیات و عوارضات حکمی و غیر حکمی از علفه و علوفه^{۲۰} و قتلعا^{۲۱} و بیگار و شکار و الاغ^{۲۲} و الام^{۲۳} و ساوری^{۲۴} و ساچق^{۲۵} و پیشکش و زر چریک^{۲۶} و پیاده و مشتلق^{۲۷} و احداث و کدو و سرشمار و خانه شمار^{۲۸} و نامبردار و دست انداز و عیدی و توروژی و حق السعی عمال و عشر و رسم الصداره و رسم الوزاره و غله طرح و ایتاعی و حرز^{۲۹} و مساحت و رسم الحرز و المساحه و اضافه و تفاوت و تفاوت شعیر^{۳۰} و تقبل و صد دو و صد یک و صد چهار و رسوم داروگی و مرسوم کلاتر و ممیز^{۳۱} و صاحب جمع^{۳۲} و شیلان بها^{۳۳} و سفره بها و سلامانه^{۳۴} و اخراجات^{۳۵} قلاع^{۳۶} و طوایل^{۳۷} و جوقگاه و مرغ^{۳۸} و گوسفند و قلان^{۳۹} و قیچور^{۴۰} و مرغو^{۴۱} و سایر تکالیف دیوانی و جمیع مطالبات سلطانی و آنچه اطلاق مال و خارج بر آن توان کرد. به هر اسم و رسم که باشند حکمی و غیر حکمی مزاحم نشوند و به لعنت استصوابات تعرض نرسانند و از جمع مال و بنیجه^{۴۲} خارج و موضوع و مفروز^{۴۳} دانند و به هیچ وجه از وجوه به قلیل و کثیر و نقیر^{۴۴} و قظمیر^{۴۵} حوالتی بر آنجا نکنند و مطالبتی نمایند و قلم و قدم کوتاه و کشیده داشته پیرامون نگردند و طمع و توقع نمایند. و این عارفه^{۴۶} را درباره او و اولاد او نسل بعد نسل و عقباً بعد عقب انعام مخلد بر دوام و اکرام مؤید مالاکلام دانسته رقم این عطیه را در دفاتر خلود مثبت گردانند و از شوائب تغییر و تبدیل مصون و محروس شمرند. «فمن بذله بعد ما سمعه فإثماً اثمه علی الذین یبدلونه ان الله سمیع علیم»^{۴۷} خلاف کننده در معرض لعنت و سخط^{۴۸} الهی تعالی شأنه و ملائکه و انبیاء علیهم السلام و من سعی فی ابطاله فعليه لعنة الله و الملائكة و الناس اجمعین، برین جمله روند و هر ساله نشان و پروانچه مجده نطلبند و چون بتوقیع رفیع منبع اشرف اعلی موشح اعلی موشح و موضح و مزین و محلی گردد اعتماد نمایند تحریراً فی غره رمضان المبارک اربع و تسعمائة.

حاشیه سند

این نسخه فرمان که از نقایس ایران است و عوارف سلاطین باستان را درباره یکی از نیاکان بندگان خواجه جلال الدوله جابر را نشان می دهد. مصالحه نمودم به فرزند معظم محترم میرزا علی آقا حفظ اله و اگر از خانواده بنده بغیری بدهد به لعنت خداوند گرفتار شود اقل الحاج میرزا حسن الانصاری الجابری^۵ سلطنت امیرالوند بن امیریوسف آق قوینلو در آذربایجان و ایران و چند سالی بود و به دست پادشاه عظیم الشأن شاه اسماعیل صفوی بعد از چند کت زد و خورد منقرض گشته و خودش به ممالک عثمانی گریخته.

این فرمان دارای اثر دو مهر است که متن هر دو یکی است:

«المستعین لعنایه الله، الملك المنان»

«الوند بن یوسف بن حسن بن علی بی عثمان»

قطر ۲۹ سانتیمتر نوشته پشت فرمان الوند میرزا

مهر همایون صدورعظام، اسلام ملاذ

در خصوص وقفیت مزرعه لهرامش سه وقفنامه موجود است. قبل از پرداختن به سه وقفنامه فوق ذکر این نکته ضروری است که مزرعه فوق برخلاف عرف معمول به هفت دانگ تقسیم شده است. سه وقفنامه فوق جمعاً دربردارنده پنج و نیم دانگ از موقوفه مسجد حجت الاسلام می باشد لازم به ذکر است که ۵ باب مغازه نیز در ضلع غربی مسجد مجاور خیابان امام حسین (ع) متصل به مسجد از جمله موقوفات مسجد است.



وقفنامه اول مورخه سنه ۱۳۳۳

الحمد لله جعل الدنيا الدنية مزرعة وغاية للعقبى العلية والصلوة والسلام على اشرف برئته محمد المبعوث على الخلق اجمعين، حجج اهل اليمين.

وبعد، غرض از تحریر این کتاب مستطاب خیریت مال، مقرون به خیر و صواب آنکه، حضور به هم رسانیدند الخاقان، معتمد السلطان میرزا محمد علیخان بیگلربیگی در حالی که جمیع اقرار الشرعیة و اعترافات ملیه اسلامیة از او مجوز و مسموع بوده و در کمال میل و رغبة، قرینة الی الله و طلباً لمرضاته، حبس مخلد و وقف مؤبد شرعی، همگی و تمام سه دانگ مزرعه موسومه بر لرهرامش (لهرامش) را واقع در الوند گلپایگان جنب رودخانه گلپایگان که مستغنی از ذکر تعدید و توصیف است با جمیع توابع و لواحق و جوی و جداول و سایر متعلقات شرعیه و عرفیه، از بیابان و غیر، بر کافه مؤمنین اثنی عشری که همه ساله منافع آن بعد از وضع منال و دیوان و مخارج لازمه متعلق به آن و بعد از وضع خمس منافع از برای متولی، نیمی از بابت حق التولیه، دو خمس آن به مصرف روضه خوانی خامس آل عبا- علیه آلاف التحية والثناء - در مسجد مرحوم میرو حجت الاسلام آخوند ملا زین العابدین - اعلی الله مقامه - یا در حواله بقعه ایشان برسد. و دو خمس دیگر، به مصرف خود مسجد مرقوم صرف شود. و تولیت آن مفوض شد به جناب مستطاب شریعت ارکان، عمدة العلماء الاعلام آقای آقا میرزا محمد مهدی، آقا زاده آن مرحوم^۱ و مسلط شدند که اگر بخواهند به یکدیگر واگذار نمایند بتوانند به بعد از ایشان به اورع اکبر اولاد ذکور ایشان است. نسلأ بعد نسل صیغه وقف جاری شد و قبض هم حاصل گردید. آن مرحوم وصیت وقف کرده باشد، لهذا بعد از فوت ایشان باز احتیاطاً صیغه وقف، وصی شرعی او در محل خود جاری ساخت و کان وقوع الوقف الذی قبل فوته فی ثلاثة ایام یوم فوته و قبض نیز حاصل شد فی عشر آخر صفر المظفر هزار و سیصد و بیست و سه.

وقفنامه دوم مورخه سنه ۱۳۲۵

بسم الله الرحمن الرحيم - الحمد لله الذی وقفنا لوقفنا لشرایع دین الاسلام وهدانا سواء الطريق وجعل لنا التوفيق خیر رفیق والصلوه والسلام علی محمد وآله الطیبین الطاهرین المعصومین.

و بعد غرض از نگارش این نوشته خیریت اشتغال مقرون به خیر و صواب به بشارت «الدنيا مزرعة الآخرة» سرکار بندگان مستطاب عظمت مدار، شوکت و جلالت آثار الخاقان، مؤتمن السلطان، آقای معظم السلطان میرزا یحیی خان - غزه و توفیقه واجلاله العالی - وقف مؤبد و حبس مخلد نمود همگی و تمامی آنچه را که از مزرعه لهرامش مالک و متصرف بودند که تقریباً دو دانگ می باشد با جمله توابع و لواحق شرعیه و عرفیه، از ممر و مدخل و جوی و جدول و غیر ذلک، از آنچه را پنج دانگ باقی دارا می باشند ولو از تلال و جبال و مراتع می باشد. بر کافه مؤمنین اثنی عشر، که همه ساله منافع آن بعد از وضع مخارج تنقیه جوی و جدول و بیستن بند آن و منال دیوانی آن و غیر ذلک مما یلزمه خمس آن منافع حق متولی آن باشد. و چهار خمس باقی، ثلثی از آن به مصرف روضه خوانی در مسجد مرحوم میرو حجت الاسلام آقای آخوند ملا زین العابدین - اعلی الله مقامه الشریف - بوده، به هر نحو که متولی صلاح داند، از دادن به روضه خوان و به خرج قند و چای و قلیان و غیر ذلک از مطالبی که متعلق به روضه خوانی می باشد. ثلثی هم به مصرف مخارج مسجد مرقوم برده از قبیل بنا ساختن یا اندود و بوریا و تعمیرات و غیره ذلک از آنچه تعلق به مخارج مسجد داشته باشد نیز به هر نحو صلاح دانند، متولی آن و ثلث ثالث به مصرف بقعه مرحوم حجت الاسلام و توابع آن برده و هر قدر زیاد آن از مخارج بقعه به مصرف مطلق



وقف نامه مسجد حجة الاسلام - گلپایگان

خیرات و مبرات زیاد برده شود. و نیز به صواب دید متولی و به هر نحوی که صلاح دانند و تولیت آن تفویض شد به جناب مستطاب شریعت‌ارکان، ثقة الاسلام، ملجأ الانام، حجت الاسلام آقای امیرزا محمدمهدی متع الله المسلمین به طول عمرهم - نبیل جلیل مرحوم خلدآشیان حجت الاسلام، معظم له فوق و بعد از ایشان با اورع و اتقای اولاد ذکور ایشان از بطن والده ماجده جناب مستطاب شریعتمدار، عمده العلماء آقای میرزا محمدحسین^{۵۲} سلم الله تعالی - و ذکور از بطن والده ماجده جناب مستطاب آقاهاشم، نسلاً بعد نسل که دیگر این دو بطن تجاوز نشود و اگر اولاد ذکور منقرض شود و اولاد ذکور از اولاد انات باشد با ملاحظه اورعیت با آنها باشد. و بعد از انقراض، با اتقی و اورع از علماء محل باباعبدالله باشد.^{۵۳} صیغه وقف جاری شد و قبض هم حاصل گردید. وکان الوقوع فی اواخر عشرالثانی المحرم الحرام هزار و سیصد و بیست و پنج.

«توضیح آنکه بطن اول که باقی مانده است، شامل امیرزا محمد حسین معظم‌الیه بنت مرحوم میرور خلدآشیان علین آرامگاه آخوند ملا محمد حسین خلف مرحمت و رضوان آرامگاه حاجی محمدعلی مقدس، مجتهد - اعلی الله مقامهما - می‌باشد. و بطن ثانی، بنت مرحوم آقاسید رضا جاپلغی آشمستینانی^{۵۴} می‌باشد... مهر - الراجی یحیی.

توضیح دیگر آنکه تولیت مرقومه هر یک که اتقای باشد می‌باشد و همچنین خدا نخواست در صورت انقراض ذکور از آنها با یک نفر اتقای باشد از اولاد ذکور از انات از بطنین مرقومین باشد.»

وقف نامه سوم مورخه سنه ۱۳۲۵

هوالواقف علی السرائر مقرّب الخاقان معتمد السلطان زبده الخوانین العظام آقا میرزا ابراهیم خان سرهنگ، زبده عمره و توفیقه، وقف مؤبد و حبس مخلص نمودند آنچه را که از مزرعه موسومه به لهرامش مالک و متصرف بودند که تقریباً نیم دانگ از هفت دانگ می‌باشد واقعه در دامنه الوند گلیایگان که مستغنی از ذکر تحریر و توصیف است با جمیع توابع و لواحق و حق شرعی و عرفیه به نحوی که شش دانگ نیم باقی است و متضمن و مشتمل است بر کافه مسلمین و مؤمنین اثنا عشری که همه ساله بعد از وضع تقیه جوی و جداول و دادن منال دیوانی آن و مخارج دیگر متعلق به آن، خمس منافع آن حق متولی آن باشد. و مابقی ثلث آن به مصرف روضه خوانی در مسجد مرحوم میرور خلدآشیان حجت الاسلام آقای آخوند ملازین العابدین بوده از قبیل روضه خوان و قند و جای و قلیان و غیر ذلک هر چه از متعلقات روضه خوانی است به نحوی که متولی صلاح دانند و ثلث دیگر به مصرف مخارج خود مسجد مرقوم بوده از تعمیرات و بوریای و ساختن بنا و غیر ذلک هر چه متعلقات مخارج محسوب شود نیز به نحوی که متولی صلاح دانند. ثلث ثالث به مصرف مخارج بقعه مرحوم حجت الاسلام معظم‌الیه و توابع آن بود و هر قدر زیاد از مخارج آن که دیگر حاجتی نیست به مصرف مطلق خیرات و مبرات برده شود و تولیت آن تفویض شد به جناب مستطاب اجل العلماء العظام الفظام شریعت‌ارکان ثقة الاسلام آقای آقامیرزا محمد مهدی، آقازاده مرحوم میرور حجت الاسلام معظم‌الیه و بعد از ایشان نسلاً بعد نسل با اورع و اتقای اولاد ذکور ایشان از بطن والده ماجده جناب مستطاب شریعتمدار عمده العلماء آقای آقا میرزا محمد حسین و از بطن والده جناب مستطاب آقاهاشم که از دو بطن تجاوز نکرده اگر اولاد ذکور از بطن مشارالیهما منقرض شود تفویض شود به اولاد ذکور از اولاد اونات بطنین مرقومین نیز گردید فی اواخر عشرالثانی من المحرم سیصد و بیست و پنج هجری سنه ۱۳۲۵. توضیح اینکه والده جناب شریعتمدار آقا میرزا محمد حسین معظم‌الیه بنت مرحوم میرور خلدآشیان آخوند ملا محمد حسین خلف مرحوم میرور رضوان آرامگاه حاجی محمدعلی مقدس مجتهد له می‌باشند و والده جناب آقاهاشم مشارالیهما بنت مرحوم آقا سید رضا آشمستینانی من محال چاپلاق می‌باشد^{۵۵}

توضیح آنکه تولیت مرقومه بعد از سرکار آقای معظم‌الیه فی المتن با اتقای اولاد ذکور بطنین مرقومین با احدی از اولاد دو بطن مرقوم هر یک که اتقی باشند می‌باشد و همچنین خدا نخواست در صورت انقراض ذکور از آنها با یک نفر که اتقی باشد از اولاد انات از بطنین مرقومین می‌باشد.

توضیح آنکه آنچه در متن و هامش مرقوم شده است صحیح است و ثواب منافع ملک مرقوم در متن وقف باقرخان سرهنگ است بتاریخ فوق سنه ۱۳۲۵ مهر.

وقف، روضه لهرامش
در بطنین مرقومین

وقف نامه است
در بطنین مرقومین

وقع ما فيه لدى كما في المتن و الهامش و التوضيحات الثلاثة حررها [مهر:] محمد باقر
قد وقع تمام المراتب متن و هامش [مهر:] الراجي يحيى
[مهر:] محمد صادق

واقف وفقه الله اقرار و اعتراف به تمام ما في الزورقة صفر سنه ۱۳۲۵ [مهر:] الراجي محمد بن يحيى
در خصوص يك دانگ از جمله هفت دانگ باقي مانده مزرعه لهرامش سندی موجود است كه يك دانگ
فوق در شوال سنه ۱۲۸۵ از طرف سيد ميرزا حسن خلف آقا مير محمد علي خراساني به آخوند ملا رضا خلف
ميرزا به مبلغ بيست و نه ريال رايج از قرار نصف ريال ناصرالدين شاهي هر عددي پانصد ديناري به فروش
رفته است.

متأسفانه درصد قابل توجهي از موقوفه مسجد حجت الاسلام در سه دهه اخير از حالت وقف خارج گرديده
است بخشي از اراضي فوق بدون هيچ گونه قراردادي در اختيار مؤسسات دولتي و بخش ديگر در اختيار افراد
قرار گرفته و اين در حالي است كه كليه استفتائات موجود از حضرت امام خميني (ره)، آيت الله گلپايگاني (ره) و
ساير مراجع عظام تأكيد بر امر حفظ موقوفه داشته و خروج موقوفه از حالت وقف را جايز ندانسته اند.

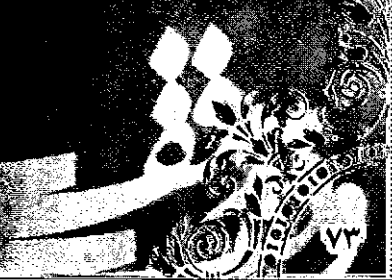
در سال هاي اخير، توليت مسجد و موقوفات آن بر عهده دكتور هاشم حجتی بود. پس از وفات ايشان اين امر
بر عهده فرزند ايشان آقاي منوچهر حجتی محول گرديد. پس از وفات ايشان چون هيچ يك از فرزندان ايشان
در كشور ساكن نبودند امر توليت به آقاي حاج محمدتقي حجتی، عموزاده ايشان محول شد با وفات ايشان
در سال ۱۴۱۸ هـ ق چون فرزند ذكوري كه بتواند امر توليت را عهده دار باشد وجود نداشت و نيز هيچ كدام از
برادران منوچهر حجتی در گلپايگان سكونت نداشتند از پذيرش امر توليت خودداري كردند. آنان موضوع را
كتبا به حضرت آيت الله العظمي حاج آقا علي صافي گلپايگاني گزارش داده و از ايشان تقاضا نمودند كه اين
امر را پذيرند يا فردي امين را براي امر توليت موقوفه تعيين نمايند. متن تقاضا چنين است:

بسمه تعالی

محضر مبارك حضرت آيت الله جناب آقاي حاج آقا علي صافي متع الله المسلمين بطول بقائه
احتراما به عرض مي رساند همان طوري كه استحضار داريد، رقبه موقوفه مزرعه لهرامش واقع در گلپايگان
از جمله رقبات موقوفه اي است كه عوايد آن به روضه خواني سيدالشهدا حضرت امام حسين (ع) و تعميرات
مسجد مرحوم حجت الاسلام والمسلمين آخوند ملا زين العابدين گلپايگاني مشهور به حجت الاسلام جد
اعلاي اينجانبان امضاءكنندگان زير و مقبره آن مرحوم واقع در شهر گلپايگان خيابان بابا عبدالله، اختصاص
دارد، كه توليت آن پس از درگذشت پدرمان دكتور هاشم حجتی بر طبق مفاد وقفنامه، به عهده برادر ارشد
اينجانبان مرحوم منوچهر حجتی محول گرديد و پس از فوت ايشان، چون هيچ يك از فرزندان ذكور آن
مرحوم در كشور ساكن نبودند امر توليت مختل بود. ناگزير، موضوع توليت به آقاي حاج محمدتقي حجتی
عموزاده اينجانبان محول گرديد كه سالها با اداره اوقاف شهرستان گلپايگان همكاري و موقوفات مربوطه
جريسان عادي خود را طی مي كرده. اينك مرحوم حاج محمدتقي حجتی هم به رحمت ايزدي پيوسته، و از
نامبرده نيز فرزند ذكوري كه بتواند امر توليت را متكفل باشد باقي نمانده و در نتيجه موقوفات موصوف و
امر جمع آوري عايدات و به مصرف رساندن آن، بلامتصدي و امر روضه خواني و تعميرات مسجد و مرمت
و نگهداري مقبره معوق مانده است. و اينجانبان در معرض مراجعات مكرر اهالي محل كه از اقامه جماعت
و زيارت مقبره محروم مانده اند، قرار گرفته ايم. و از آنجا كه هيچ كدام از برادران مرحوم منوچهر حجتی،
امضاءكنندگان زير در گلپايگان ساكن نمي باشند، از طرفي همواره امام جماعت مسجد مذكور با اجازه حضرت
عالي و ساير آيات آن بيت شريف منصوب و اقامه جماعت مي نمودند، خاضعانه تقاضا داريم شخصا اجرائ
متن وقفنامه ها را متقبل و نسبت به وصول عايدات موقوفه فوق الذكر و ساير رقبات موقوفه و به مصرف رساندن
آن بر طبق وقفنامه، اهتمام فرماييد.

اميداست اين خدمت حضرت عالي نزد خداوند متعال مأجور، و نسبت به برگزاري مراسم روضه خواني
حضرت سيدالشهداء (ع) و تعميرات و مرمت و نگهداري مسجد و مقبره حجت الاسلام شخصا يا فرد امين

متأسفانه درصد قابل
توجهي از موقوفه
مسجد حجت الاسلام
در سه دهه اخير از
حالت وقف خارج
گرديده است بخشي
از اراضي فوق بدون
هيچ گونه قراردادي
در اختيار مؤسسات
دولتي و بخش ديگر
در اختيار افراد قرار
گرفته و اين در حالي
است كه كليه استفتائات
موجود از حضرت امام
خميني (ره)، آيت الله
گلپايگاني (ره) و ساير
مراجع عظام تأكيد بر
امر حفظ موقوفه داشته
و خروج موقوفه از حالت
وقف را جايز ندانسته اند



مورد انتخاب آن حضرت انجام پذیرد. حق التولیه منصوص در وقفنامه نیز تحت نظر مبارک به مصرف برسد. جهت مزید استحضار آن جناب معروض می‌دارد کلیه سوابق امر و دیگر سوابق مربوطه در اداره محترم اوقاف شهرستان گلپایگان مضبوط می‌باشد.

متن پاسخ آیت‌الله حاج آقا علی صافی گلپایگانی به نامه آقایان حاجتی، چنین است:
بسمه تعالی عزّ شأنه

نظر به مرقومه جنابان آقایان حاجتی، فرزندان مرحوم دکتر هاشم حاجتی، معروض می‌دارد، در صورتی که متولی موقوفه مربوطه به مسجد مرحوم حجت الاسلام - اعلی الله مقامه الشریف - و مقبره آن مرحوم، ایشان باشند، امر را به این جانب تفویض نموده‌اند و حقیر نه اطلاع چندانی از وقف و کیفیت آن دارم و نه قدرت نظارت در آن را دارم. لذا، همان طور که شفاها به جناب مستطاب حجت الاسلام والمسلمین آقای حاج آقا علی افتخاری - دامت برکاته - عرض کرده و اجازه داده بودم که در حدود شرعی، قیام به حفظ و اداره آن موقوفه بنمایند ولو اینکه اختیار را به عده‌ای از افراد مورد وثوق و معتمدین و مؤمنین مورد اعتماد بدهند، تأکیداً نیز از ایشان انتظار دارم که به هر نحو شرعی صلاح می‌دانند، اقدام فرمایند. مزید توفیقات را مسئلت دارم. والسلام علی عبادالله الصالحین.

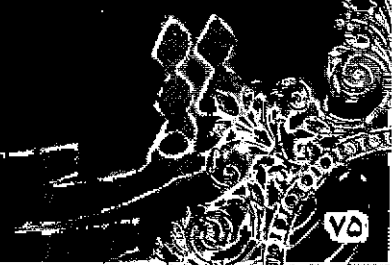
در پی پاسخ آیت‌الله حاج آقا علی صافی به حجت الاسلام والمسلمین حاج آقا علی افتخاری و تأکید معظم‌له بر حفظ موقوفات و مصرف عایدی آن بر طبق وقفنامه، حضرت آیت‌الله افتخاری در خصوص انجام این امر، هیئت امنایی مرکب از پنج نفر از معتمدان محل را تشکیل داده که این هیئت امنا موظف شدند با نظارت اداره اوقاف گلپایگان طبق موقوفه عمل کنند.

پی‌نوشت‌ها

۱. در این خصوص مراجعه کنید به کتاب سیری در تاریخ و جغرافیای گلپایگان از انتشارات دفتر کنگره بزرگداشت علامه زین‌العابدین گلپایگانی.
۲. مقرر بود در شهریور ماه سال ۱۳۸۰ کنگره علامه آخوند ملا زین‌العابدین برگزار شود که متأسفانه برگزار نشد ولی آثار مربوط به آن در شش عنوان کتاب تقدیم علاقه‌مندان شد.
۳. المآثر والآثار، چاپ سنگی، ص ۱۴۶.
۴. رجوع کنید به کتاب: استادی، رضا، شرح حال دانشمندان گلپایگان، ج ۱، ص ۱۱-۲۹ از انتشارات کنگره بزرگداشت علامه گلپایگانی، ۱۳۸۱.
۵. میر محمدی، حمیدرضا، مسجد حجت‌الاسلام گلپایگانی، مجله مسجد، شماره ۵۹، آذر و دی ۱۳۸۰، ص ۶۵.
۶. افاضلی، اکبر، توشه‌ای از گلپایگان و مردم آن، انتشارات ابجد، ۱۳۷۳، ص ۱۹۴.
۷. افاضلی، اکبر، گلپایگان در گذر زمان، انتشارات دفتر کنگره بزرگداشت علماء گلپایگان، ۱۳۸۰، ص ۱۶۰.
۸. ملک‌زاده بیانی، «دو فرمان از الوند میرزا آق‌قویونلو و شاه اسماعیل صفوی»، بررسی‌های تاریخی، شماره ۶۵، مهر، آبان ۲۵۳۵، ص ۱۲۷-۱۶۶.
۹. الوند میرزا فرزند یوسف بیک از جمله پادشاهان آق‌قویونلو بوده است که بین سال‌های ۹۰۴-۹۰۷ هـ.ق به حکومت رسید و در ۹۱۰ هـ.ق در دیاربکر درگذشت. آق‌قویونلو به معنی گوسفند سفید است. علت نامگذاری ایشان به این اسم به علت وجود نقش گوسفند بر پرچم ایشان بوده است.
۱۰. سوزومیز در زبان آذری به معنای حرف ما است.
۱۱. سوره انعام، بخشی از آیه ۱۶۵- و اوست کسی که شما را در زمین جانشین یکدیگر قرار داد و بعضی از شما را بر برخی دیگر به درجاتی برتری داد.
۱۲. سوره نحل بخشی از آیه ۹۰- در حقیقت خدا به دادگری و نیکوکاری فرمان می‌دهد.
۱۳. سوره رحمن آیه ۶۰- مگر پاداش احسان جز احسان است؟
۱۴. سوره شعراء آیه ۲۱۵- و برای آن مؤمنانی که تو را پیروی کرده‌اند، بال خود را فرو گستر.
۱۵. لازم به ذکر است که در شمال مسجد جامع شهر خوانسار (۱۱۰۱ هـ.ق) که از نفایس تاریخی و هنری این بنای تاریخی است نیز عمل محمدبن خضرشاه می‌باشد در بخش میانی این اشعار حک شده است:
بنده آل علی فضلی که شد روز ازل فتح باب الشرف را ساعی لطفش ضمان
چون از این در خلق عالم را گل شادی شکفت فتح باب کعبه حاجات شد تاریخ آن

روی لنگه راست در داخل مربعی به طرز زیبایی کلمات الله و محمد و علی حک شده و در ذیل آن آمده است: «عمل محمود ابن المعروف میرزا علی» و نیز در داخل مربعی در مقابل آن در لنگه چپ چنین آمده است: «نعمه انا العبد عمل محمد بن خضر شاه» رجوع کنید به جغرافیای خوانسار، جلد اول، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲، ص ۹۴ و نیز میرمحمدی، حمیدرضا، اختران فروزان خوانسار، انتشارات ارمغان قلم، ۱۳۷۸، ص ۳۹.

۱۶. جربادقان نام قدیم گلپایگان است. حمدالله مستوفی در نزهة القلوب گوید: جربادقان را همای بنت بهمن کیانی ساخت و به نام خود سمره خواند که در اول همای را سمره گفتندی، دخترش آن را تجدید عمارت کرد و گلپادگان [گردبادگان] گفت: عرب معرب کردند جربادقان خواندند. نزهة القلوب، تصحیح گای لیسترانج، دنیای کتاب، ۱۳۶۲، ص ۶۸. یاقوت در معجم گوید: جربادقان نام شهری نزدیک همدان، میان همدان و کرج و اصفهان است. شهری بزرگ است. معجم البلدان، ج ۲، ص ۳۱.
۱۷. سیورغال - زمینی که پادشاه جهت معیشت به ارباب استحقاق بخشید. فرهنگ فارسی معین، ج ۲، ص ۱۹۸۷.
۱۸. هودبری - هوده بری - سود بردن، فایده بردن، بهره بردن. فرهنگ فارسی معین، ج ۴، ص ۵۲۲۰.
۱۹. ترخان - شاهزاده ترک و مغول و بزرگی که از بعضی مزایای موروثی از جمله معافیت از مالیات و عوارض منفرد برخوردار بود و مجاز بود که هر گاه میخواست به نزد سلطان رود. فرهنگ فارسی معین، ج ۱، ص ۱۰۶۵.
۲۰. علفه و علوفه - مالیاتی که برای تهیه خوراک عمال حکومت وصول می شد. علوفه مالیاتی که برای تهیه علوفه مأمورانی که از دهات عبور می کردند وصول می شد. فرهنگ فارسی معین، ج ۲، ص ۲۳۴۱-۲۳۴۶.
۲۱. قتلغا - قتلغ = قوتلوغ، مبارکی و خجستگی. فرهنگ فارسی معین، ج ۲، ص ۲۶۳۹.
۲۲. الاغ - تهیه وسایل حمل و نقل و نیز حقوق و عوارضی که برای بیکها یا چارپایان می گرفتند. فرهنگ فارسی معین، ج ۱، ص ۳۳۴.
۲۳. الام - مالیاتی که بر مخارج آمارگیران و راهنمایان و علوفه اسبان و محصلین مالیاتی و نیز راهنمایی که مجبور بود به مأموران دیوان به رایگان خدمت کند. فرهنگ فارسی معین، ج ۱، ص ۳۳۵.
۲۴. ساوری - انعامی که در ازای خدمت دهند. و نیز به معنای باج و خراج نیز آمده است. فرهنگ فارسی معین، ج ۲، ص ۱۸۱۱.
۲۵. ساچق - مالیات
۲۶. چریک، سربازان داوطلب تعلیم ندیده، جنگجویانی از افراد عشایر و قبایل گرد آورند و به یاری سربازان تعلیم دیده فرستند. فرهنگ فارسی معین، ج ۱، ص ۱۲۸۳.
۲۷. مشتلق - مژده، وجهی یا مالی که به عنوان انعام به آورنده خیری خوش دهند؛ مزدگانی. فرهنگ فارسی معین، ج ۳، ص ۴۱۳۷.
۲۸. خانه شمار - مالیات خانوار، مالیات سرانه. فرهنگ فارسی معین، ج ۱، ص ۱۳۹۴.
۲۹. خرز - بهره و نصیب. فرهنگ فارسی معین، ج ۱، ص ۱۳۴۹.
۳۰. تسعیر - نرخ گذاشتن، تعیین بها، تفاوت تسعیر - تفاوت قیمت. فرهنگ فارسی معین، ج ۱، ص ۱۰۸۰.
۳۱. ممیز - ارزیاب یا تشخیص دهنده مالیات اراضی، آنکه ممیزی املاک کند. فرهنگ فارسی معین، ج ۴، ص ۴۳۶۵.
۳۲. صاحب جمع - مأمور تشخیص مالیات و جمع آوری آن، کسی که مسؤول ضبط و تحویل نوعی از اموال دیوانی بود. فرهنگ فارسی معین، ج ۲، ص ۲۱۲۰.
۳۳. شیلانها - هزینه سفره امرا و بزرگان. فرهنگ فارسی معین، ج ۲، ص ۲۱۱۴.
۳۴. سلامانه - مالیاتی که به مناسبت بار عام پادشاه یا به سبب دریافت خیر سلامت او پردازند. فرهنگ فارسی معین، ج ۲، ص ۱۹۰۸.
۳۵. اخراجات - جمع خراج - خرجی، هزینه، مالیات غیرمستمر بیش از میزان عادی، مالیاتی که برای مصارف دیوانی وصول می شد. فرهنگ فارسی معین، ج ۱، ص ۱۷۱.
۳۶. قلاع - جمع قلعه - دژها، فرهنگ فارسی معین، ج ۲، ص ۲۷۰۵.
۳۷. طوایل - جمع طویل - اصطبلها - کارگران اصطبل، مهتران. فرهنگ فارسی معین، ج ۲، ص ۲۲۳۸.
۳۸. مرغ - چمن خودرو، گیاهی از تیره گندمیان که علفی پایا است و دارای ساقه زیرزمینی است. فرهنگ فارسی معین، ج ۳، ص ۴۰۱۹.
۳۹. قلان - مالیات گله و گوسفندان. فرهنگ فارسی معین، ج ۲، ص ۲۷۰۵.
۴۰. قبقور - مالیات، باج، مالیات متعلق به مواشی و حیوانات. فرهنگ فارسی معین، ج ۲، ص ۲۶۳۳.
۴۱. یرغو - عوارضی که برای رسید به جرایم گرفته می شد و نیز به معنای بازرسی است. فرهنگ فارسی معین، ج ۴، ص ۵۲۵۵.
۴۲. بنیچه - ارزیابی مالیاتی دسته جمعی یک ده و امثال آن، جمعی که دیوانیان بر اصناف حرفت و املاک می بندند. فرهنگ فارسی معین، ج ۱، ص ۵۹۶.
۴۳. مفروز - جدا کرده، علی حده شده، تحدید حدود شده، فرهنگ فارسی معین، ج ۴، ص ۴۲۷۱.



۴۴. نقیر - حقیر - اندک. فرهنگ فارسی معین، ج ۴، ص ۴۷۹۸.
۴۵. قطمیر - قلیل - اندک - چیزی کوچک. فرهنگ فارسی معین، ج ۲، ص ۲۶۹۷.
۴۶. عارفه - مهربانی، نیکویی. فرهنگ فارسی معین، ج ۲، ص ۲۲۶۰.
۴۷. سوره بقره آیه ۱۸۱: پس هر کس آن را بعد از شنیدنش تغییر دهد، گنااهش تنها بر کسانی است که آن را تغییر می‌دهند همانا خداوند شنوا و داناست.
۴۸. سخط - غضب کردن، قهر، ناخشنودی. فرهنگ فارسی معین، ج ۲، ص ۱۸۴۳.
۴۹. توقیع - نامه و فرمان و فرمان شاه و ظفرای شاهی. فرهنگ فارسی معین، ج ۱، ص ۱۱۶۹.
۵۰. مرحوم حاج میرزا حسن خان جابری انصاری فرزند حاج میرزا علی، عالم، فاضل، ادیب شاعر، محقق مورخ، از افتخارات علمی زمان معاصر، صاحب تألیفات بسیار از آن جمله: تاریخ اصفهان و ری و همه جهان، و دهها اثر دیگر. مرحوم انصاری در ۱۸ رجب سال ۱۲۸۷ متولد (در اصفهان) و در ۱۵ جمادی الثانی سال ۱۳۷۶ هـ ق وفات یافته و در ایوان بقعه بابارکن‌الدین در قبرستان تخت فولاد اصفهان مدفون گردیده است. سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۷۳.
۵۱. آیت‌الله آقا میرزا مهدی معروف به آقازاده، فرزند علامه آخوند ملازین العابدین (حجت الاسلام) صاحب کتاب اسرار الشهادت که در تاریخ ۱۳۳۰ هـ ق به رحمت ایزدی پیوسته و در مقبره مرحوم حجت الاسلام مجاور مسجد مرحوم حجت الاسلام دفن گردیده است. سیری در تاریخ و جغرافیای گلپایگان، ص ۲۹۳.
۵۲. آیت‌الله آقا میرزا محمدحسین فرزند آیت‌الله آقا میرزا مهدی آقازاده در سنه ۱۳۳۶ هـ ق به رحمت ایزدی پیوسته و در مقبره مرحوم حجت الاسلام مدفون است. سیری در تاریخ و جغرافیای گلپایگان، ص ۲۹۳.
۵۳. محله مجاور مسجد حجت الاسلام گلپایگان به سبب وجود بقعه‌ای موسوم به بقعه بابا عبدالله به این نام موسوم است.
۵۴. آشمستیان از جمله آبادیهای دهستان چابلق شرقی در بخش حومه شهرستان خمین در استان مرکزی در ۲۳ کیلومتری جنوب غربی خمین می‌باشد. فرهنگ آبادانی کشور جمهوری اسلامی ایران، ج ۵۹، گلپایگان، ۱۳۶۹، ص ۴.
۵۵. چابلق از نواحی قدیمی ایران در لرستان است. یاقوت حموی در قرن هفتم چابلق (چابلق) را از جمله رستاق‌های اصفهان آورده است. معجم البلدان، ج ۲، ص ۲. امروزه چابلق بخشی است در شهرستان ازنا در استان لرستان و شامل دو دهستان چابلق غربی و شرقی است. این بخش بین شهرستان‌های سربند و خمین در استان مرکزی و الیگودرز و درود در استان لرستان واقع است.

منابع

* قرآن کریم

۱. استادی، رضا، دانشمندان گلپایگان، ج ۱، دفتر کنگره بزرگداشت علماء گلپایگان، ۱۳۸۱.
۲. اشراقی، فیروز، گلپایگان در آینه تاریخ، انتشارات چهارباغ، ۱۳۸۳.
۳. افاضلی، اکبر، توشه‌ای از تاریخ گلپایگان و مردم آن، انتشارات ابجد، ۱۳۷۲.
۴. افاضلی، اکبر، گلپایگان در گذر زمان، دفتر کنگره بزرگداشت علماء گلپایگان، ۱۳۸۰.
۵. اعتماد السلطنه، محمدحسن خان، المآثر و الآثار، به کوشش ایرج افشار انتشارات اساطیر، ۱۳۶۳.
۶. سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، فرهنگ جغرافیایی آبادیهای کشور جمهوری اسلامی ایران، ج ۵۹، گلپایگان، سال ۱۳۶۹.
۷. صدر حاج سید جوادی، (زیر نظر) احمد، دایرة المعارف تشیع، جلد اول، انتشارات شهید سعید محبی، چاپ ششم، ۱۳۸۶.
۸. ملک‌زاده بیانی، «دو فرمان از الوند میرزا آق‌قویونلو و شاه اسماعیل صفوی»، فصلنامه بررسی‌های تاریخی، شماره ۶۵، مهر و آبان ۱۳۵۵.
۹. معین محمد، فرهنگ فارسی، جلد ۱-۴، انتشارات امیر کبیر، چاپ یازدهم، ۱۳۷۶.
۱۰. میرمحمدی، حمیدرضا، سیری در تاریخ و جغرافیای گلپایگان، دفتر کنگره بزرگداشت علماء گلپایگان، ۱۳۸۰.
۱۱. میرمحمدی، حمیدرضا، «مسجد حجت الاسلام گلپایگان»، مجله مسجد، شماره ۵۹، آذر و دی ۱۳۸۰.
۱۲. یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۲، ترجمه علینقی منزوی، میراث فرهنگی کشور، ۱۳۸۳.
۱۳. درگاه ملی آمار www.sci.org